



# شهرت علم انسانی و مطالعات فرهنگی لغت زبان کودکان

دکتر غلامعلی افروز

منطقی ، انتقال معلومات ، اخلاق ، ادب و هنر  
فرد ، سخن گفتن و مهارت کلامی اوست .

بدزبانی ، دروغ ، تهمت ، غیبت و سکوت  
ناروا از آفتهای کلام و کفران این نعمت و هبه  
خداوندی است . صداقت ، صراحت ، ستایش  
خالق و سرودن سرود رهایی و وارستگی و آزادیگی  
"لااله الاالله" و زمزمه اذان و اقامه قیام بسر

بی تردید یکی از نعمتهای گرانقدر الهی  
نعمت کلام است . از جمله نشانه ها و معیارهای  
سنجش میزان هوش ، مهارت برقراری روابط  
اجتماعی ، اعتماد به نفس ، احساس و نگرش ،  
مسئولیت پذیری ، قدرت یادگیری ، استدلال

حق و صلاح از هنگامه تولد تا واپسین دم حیات، از نشانه های حق شناسی و شکران نعمت است. به چگونگی سخن گفتن کودکان، به خوب صحبت کردن و سخن نیکو گفتن آنها باید بهای فوق العاده ای قائل شد. رشد کلامی کودکان در گرو وجود الگوهای اصلی، همچون پدر و مادر و شنیدن صحبت های آنهاست. با کودکان به زبان ایشان و در حد فهم و ادراک آنان باید سخن گفت، اما شمرده و آرام و صحیح و با سلاست و ملاحظت از تکرار کلام به زبان شکسته کودک باید اجتناب نمود. کودکان همیشه به الگوهای کلامی و رفتاری نیاز دارند. باید والدین و بزرگسالان خانواده همیشه در نظرشان باشد که کودک از آنان سخن گفتن و درست صحبت کردن را می آموزد. اگر کودک به اقتضای سنش کلمه ای را شکسته و نارسا بیان می کند، بر والدین و اطرافیان بزرگسال کودک است که با ادای صحیح و کامل کلمه نادرست، صحبت کردن را به کودک بیاموزند. و نه این که " کلمه های شکسته" را همانند کودک تکرار نمایند. فی المثل اگر کودک به کلمه "آب" می گوید "آآ" به کلمه " من" می گوید "م" به " کتاب" می گوید " کدآب" یا " ک آب"، به " بده" می گوید " اده" و به " بیا" می گوید "آیا" و غیره، والدین و معاشران کودک نمی بایست به هنگام صحبت با کودک کلمات او را همانند خودش تلفظ نموده، روانی و سلاست کلامی او را به تاء خیر ببندازند. صحبت به زبان کودک به معنای صحبت با تلفظ نارسای کودک نیست، بلکه همان طوری که ذکر شد، صحبت به زبان کودک یعنی، بکارگیری ساده ترین و رساترین و قابل فهم ترین کلمات و جملات در حد توان ذهنی و قوه ادراک کودک و با بیانی آهسته و شمرده.

غالب کودکان در حدود یکسالگی اولین کلمات را به زبان می آورند و در حدود دو سالگی جملات ساده را بتدریج بکار می گیرند، همراه با رشد ذهنی کودک، قدرت فراگیری او بیشتر می شود و دامنه لغات و واژگانش گسترش یافته، جملاتش طولانی تر و متنوع تر می گردد. صحبت متنوع با کودک، پاسخ رسا به سوالاتش، گوش دادن به صحبتها در رادیو، تماشای برنامه های تلویزیون، خواندن کتاب برای او، بازیهای کلامی و اجتماعی و مهمتر از همه گوش کردن به صحبت های کودک و هم صحبت شدن با او، نقش بسیار مهمی در تقویت و گسترش زبان و مهارت کلامی کودک دارد.

تربیت شنوایی ( خوب گوش دادن) و تربیت گویایی ( خوب صحبت کردن) کودکان از امور مهمی است که والدین می بایست بدان توجه فراوانی داشته باشند. وقتی با کودک صحبت می کنید و حوصله به صحبت های کودک گوش می ندهید نه تنها خوب گوش کردن را به او نمی آموزید، بلکه به او فرصت می دهید که با انگیزه و رغبت و بسودون عجله و شتاب و آرام و روان، خوب صحبت کردن را تجربه کند. با عجله و شتاب، تند و سریع صحبت کردن از آفتهای مهارت شنوایی است، ریشه اصلی چنین عادت نامطلوبی در صحبت کردن را می توان در رفتار بعضی از والدین سن جستجو کرد. کودک ۴ و ۵ ساله ای را دیدیم که از تجارب و آموخته های سمعی و بصری، مشتاقانه و کنجگاوانه در انتظار گوشه های شنوایی است که برداشتهای ذهنی خود را بازگو نماید. این کودک چندان " خلاصه صحبت کردن" را نمی داند، از قدرت انتزاع بهره کافی ندارد، از طبقه بندی امور و درجه بندی و اولویتها، مهم و غیر مهم ها چیزی نمی داند. همه چیز را

### نکات قابل توجه پیرامون لکنت زبان کودکان

لکنت زبان یک پدیده پیچیده روانی - حرکتی است . تا کنون یک روش قطعی برای اصلاح یا درمان کامل لکنت زبان ارائه نشده است ، اما توجه به نکاتی که در این جا مطرح می شود فوق العاده حائز اهمیت بوده ، قطعاً در کاهش و یا اصلاح لکنت زبان می تواند مؤثر واقع گردد . در این مقاله نکاتی که توجه به آنها بسیار مهم است ، به صورت سؤال و پاسخ مطرح می شود !

که برای نخستین بار تجربه کرده ، به خاطر سپرده است ، از تماشای جوجه همسایه گرفته تا تصویر فیلی که مشاهده کرده است ، برای او مهم است . لذا دوست دارد تجارب و خاطرات روزانه خود را به گونه ای بازگو نماید . او نیازمند گوش شنوا ، حوصله و صبری زیبا ، چهره ای متبسم و نگاههای خریدار و با محبت است . در این شرایط بهترین و محبوب ترین مخاطبین کودک پدرها و مادرها ، پدربزرگها و مادر بزرگها هستند .

کنجکاوای کودک نشانه ای از رشد ذهنی اوست . به صحبتها و سوالات کنجکاوانه کودک باید پاسخی مناسب داد . اگر پاسخ سوالی را نمی دانیم ، راست گفتن را به او بیاموزیم ، خیلی صریح و صادقانه بگوییم که "سؤال خیلی مهمی است ، من هم جوابش را خوب نمی دانم ، بهتر است با هم از کس دیگری که بهتر می داند سؤال کنیم" . آری ، کودک را باید هدایت کرد و همراه او برای یافتن

جواب سؤالش به سراغ کتابی در کتابخانه ویا مرجعی در مدرسه و مسجد رفته ، کنجکاوای او را ارضاء نمود . چه بسا که کودک در مسیر یافتن پاسخ سؤالش ، دیگر به خود سؤال و پاسخ لفظی نیندیشیده و رفتار شما برایش پاسخی بس قانع کننده باشد ، یعنی با این کار ، شما به او جرأت و اعتماد بمنفس بخشیده طریق تفکر و تحقیق و تفحص را برایش ترسیم می- کنید .

## آیا لگنت ارثی است؟

ناکنون هیچ دلیل روشن بیولوژیکی از این که لگنت ارثی باشد به دست نیامده است، اگرچه ما می دانیم که در بعضی از خانواده ها استعداد ابتلا به لگنت بیشتر است. مطالعات

نشان می دهند که بیش از ۶۵ درصد از افرادی که لگنت دارند، سابقه لگنت در خانواده ایشان وجود دارد.

## تعداد افراد لگنتی چقدر است؟

تقریباً "حدود یک درصد از کل جمعیت هر کشوری مبتلا به لگنت هستند، با این حساب حدود ۱/۵ میلیون فرد لگنتی در امریکا هستند. بسیاری از بزرگان و مشاهیر جهان لگنت داشته اند، مثل: حضرت موسی (ع)، چارلز داروین، چارلز اول پادشاه انگلستان، جورج ششم پادشاه انگلستان، و... که تجاری از لگنت زبان داشته اند.

آیا لگنت به گونه ای است که گاهی ظاهر شده و گاهی از بین می رود؟

دونفر لگنتی الگوی یکسانی از لگنت را ارائه نمی دهند، لگنت هر فرد لگنتی به شیوه و روش خاصی ظاهر می شود و به تناسب مکان و زمان

و در ساعت و روز و هفته و ماه و سال و موقعیت خاصی متفاوت است.

شدت و فراوانی لگنت معمولاً "با میزان فشار گویایی رابطه دارد. بسیاری از افراد لگنتی وقتی که تنها هستند یا مطالعه می کنند و یا با حیوانات حرف می زنند کمتر دچار لگنت می شوند. اما بعضی ها حتی وقتی که آواز هم می خوانند دچار لگنت می شوند.

لگنت پدیده ای متناوب است. حتی بعضی از افرادی که شدیداً لگنت دارند، بعضی وقتها روان صحبت می کنند.

فرد لکنتی چنانچه احساس گناه و یا اضطراب بیشتری داشته باشد، لکنت بیشتری از خود نشان می دهد. بدیهی است افراد لکنتی بهنگام صحبت با افراد متنفذ بیشتر در معرض لکنت قرار خواهند داشت. هرچقدر فشار روانی بیشتری متوجه فرد لکنتی باشد، لکنت او بیشتر و شدیدتر خواهد شد.

چرا معمولاً افراد لکنتی در گفتن اسم خود مشکل دارند؟

برای فرد لکنتی مخصوصاً " مشکل است که اسم خودش را بگوید. اسم شخص تاء ثیر مهمی بر خود پنداری او دارد، و بار روانی بیشتری را بر او حمل می کند. اسم فرد نمایانگر کل شخصیت، عادات، رفتارها، نظریات و دیدگاههای اوست. اگر فرد لکنتی بعضی وقتها برای گریز از لکنت دست به جانشین سازی کلمات می زند، اما در رابطه با اسم خودش نمی تواند کلمه دیگری بگوید، لذا چاره ای جز گفتن آن ندارد.

فرد لکنتی چه نوع علائم ثانویه ای ممکن است نشان دهد؟

افراد لکنتی تعداد متنوعی از عادات زائد و علائم ثانویه توأم شده با لکنت از خود نشان می دهند. این علائم ثانویه ممکن است در ابتدا به صورت تکان دادن صورت و سر و به هم زدن پلکها، نمایان شود و بتدریج بیشتر و پیچیده تر شود. این علائم در افراد مختلف به صورت متنوع قابل مشاهده است.

آیا لکنت زبان معلولیت است؟

معلولیت اصلی از این ناشی می شود که برای بعضی افراد لکنتی این توهم پیش می آید که آنها معلول هستند، زیرا عقیده دارند که لکنت در حد مسؤولیت ایشان نیست و آن چیزی است که برای آنان اتفاق می افتد و نه چیزی که خودشان انجام می دهند. اگر کسی که لکنت دارد می تواند لکنت را کنترل کند، لکنت معلولیت نیست، اما ناتوانی شخص لکنتی در درک این حقیقت که می تواند لکنت خود را اصلاح کند خود می تواند معلولیت باشد.

آیا فرد لکنتی همیشه باید سعی کند که آرامش داشته باشد؟

پاسخ این است که بله، بررسی نشان می دهد که تمرینات مختلف مربوط به تنش زدایی از عضلات گویایی بسیار ارزشمند و مفید است و به فرد کمک می کند که تنش خود را بهنگام صحبت کاهش دهد. گفتار درمانگران مجرب از روش تنش زدایی برای آرامش افراد لکنتی بخصوص در شرایط بحران بهره می گیرند.

چه وقتی لکنت ممکن است بدتر شود؟

وقتی که فرد لکنتی از اعتماد به نفس و "من" قوی به لحاظ پیشرفتهای موفقیتها و پذیرش اجتماعی برخوردار باشد، بالطبع لکنت کمتری خواهد داشت. و وقتی که در حین سخن گفتن انتظار فشار و باءس داشته باشد، بالطبع دچار لکنت بیشتری خواهد شد.

چرا در درمان لکنت از آواز خواندن استفاده نمی شود؟

استفاده از صحبت آواز گونه سابقه بسیار قدیمی در درمان لکنت دارد ، و شاید براحتی در کتب قدیمی در باره درمان لکنت مشاهده کنید که افراد لکنتی را به شرکت در درسهای آواز خواندن توصیه و تشویق نموده اند . در هر حال آواز خواندن به عنوان یک شیوه درمانی ، مفید واقع نشده ، موفق نبوده است ، چرا که آواز خواندن خود یک نقش ویژه است و چیزی نیست که هرکس بتواند در زندگی روزمره مرتب از آن بهره بگیرد . دیگر این کسه آواز خواندن روانی و سلاست کلام را تضمین نمی کند و فایده ای از آن برای درمان لکنت انتظار نمی رود .

آیا باید افراد لکنتی تشویق به صحبت کردن بشوند؟

از آن جایی که صحبت کردن یک وجه از اظهار وجود ارادی و سالم است ، افراد لکنتی باید تشویق بشوند که بیشتر صحبت کنند ، نه فقط به عنوان اجرای برنامه درمان لکنت ، بلکه برای نزدیک شدن بیشتر به زندگی و ارتباطات اجتماعی . ابتدا ممکن است برای افراد لکنتی کمی دشوار باشد و خجالت بکشند ، اما هر قدر بیشتر صحبت کنند ، راحت تر و روانتر سخن خواهند گفت .

آیا فرد لکنتی باید کمتر حساس باشد؟



طبیعی است ، انتظار می رود که فرد لکنتی مسأله راحتی مخاطبین خود را نیز در نظر داشته باشد . اما باید دانست که اگر او نسبت به لکنت خودش حساسیت کمتری داشته باشد اطرافیان او آرامش بیشتری خواهند داشت ، و در نتیجه او کمتر دچار لکنت خواهد شد . بنابراین حساسیت کمتر نسبت به لکنت موجب راحتی و روانی بیشتر کلام می شود .

نقش ترس در لکنت چگونه است؟

جواب به این سؤال شاید در یک جمله خلاصه شود و آن این که " هر جا که ترس نیست لکنت هم نیست . "

وقتی که لکنت موجب ترس می شود ، همین ترس ، ترس بیشتری را به دنبال می آورد و در نتیجه فرد با لکنت شدیدتری مواجه می گردد .

بسیاری از افراد لکنتی از این که بهنگام صحبت لحظه ای سکوت داشته، مکث نمایند می ترسند. علت این امر شاید این باشد که غالب اوقات لکنت در حروف یا سیلاب اول کلمات رخ می دهد و لذا افراد لکنتی دوست دارند که خیلی سریع از کلمه ای به کلمه دیگر بپردازند و از هرگونه توقف و مکث خودداری کنند زیرا مکث و شروع دوباره برایشان سخت است.

شدت لکنت زبان تا چه حد می تواند باشد؟

در بعضی شرایط خاص که فرد دچار ترس، خجالت و دستپاچی زیاد می شود، سخت ترین لحظات را برای ادای حتی یک کلمه پشت سر می گذارد. در این شرایط لکنت زبان شدیدترین حالت را پیدای کند، مثل آن است که دهان قفل می شود.

افراد لکنتی دنبال چه مشاغلی باید باشند؟

بطور کلی افرادی که لکنت دارند عموماً با هوش و توانا هستند و آنچه که مشهود است این که بین توانمندیهای بالفعل و استعدادهای بالقوه ایشان فاصله زیادی است. به نظر ما فرد لکنتی همانند افراد غیر لکنتی از عهده کارهای معمول برمی آید. اگر چه افراد لکنتی تمایل دارند دنبال مشاغلی باشند که ارتباط انسانی و محاوره ای کمتری داشته باشد، اما لکنت نباید مانعی جدی برای دورماندن از مشاغل مسرور علاقه آنها باشد.

آیا بهتر است که فرد لکنتی با ترس خود مقابله کند؟

آیا هرگز از خود سؤال کرده آید که چه چیزی بیش از همه فرد لکنتی را آزار می دهد؟ لکنت! و یا ترس فرد لکنتی از واکنش مردم در برابر لکنت؟ آیا واقعا " این ترس نیست که بیشتر افراد لکنتی را آزار می دهد؟ بسیاری از افراد لکنتی بیشترین فکر و اضطرابشان در این است که دیگران چه فکری در مورد لکنت آنها می کنند. آنها باید با ترس خود مقابله کنند و یاد بگیرند که حساسیت خودشان را نسبت به باز خورد و یا واکنش دیگران نسبت به لکنت کاهش داده، به حداقل برسانند.

ابعاد هیجانی لکنت چگونه است؟

برای افراد لکنتی بسیار مهم است که بسا ابعاد عاطفی لکنت خود آشنایی بیشتری داشته باشند، مسأله ترس و خجالت و دستپاچه شدن در موقعیت های مختلف اجتماعی از ابعاد بسیار مهم عاطفی لکنت زبان است.

هر چند مشکل است افراد لکنتی نگرش هیجانی ( احساسی ) نسبت به لکنت خود نداشته باشند، اما آنها نیاز دارند که در مورد لکنت خود بیش از پیش منطقی باشند. بهترین فکر آنان باید متوجه این باشد که چگونه صحبت می کنند و نه این که دیگران در مورد آنها چه فکری می کنند.

چرا مکث کردن سخت است؟

تشدید لکنت دیگران شده اند.

لکنت یک پدیده تخصصی است و به درمان تخصصی نیز نیاز دارد.

آیا جواب دادن به تلفن برای بسیاری از افراد لکنتی مشکل است؟

وقتی که فرد لکنتی از تلفنی استفاده می کند مجبور است با اتکا به صدای خود مکالمه را ادامه دهد و دیگر نمی تواند از رفتارهای الحاقی و زائد مثل کشیدن آبرو و تکان دادن دست و غیره استفاده کند. لذا صحبت تلفنی ممکن است برای افراد لکنتی مشکل به نظر برسد، بخصوص وقتی که باید به تلفن جواب دهند و شناختی از فردی که آن طرف خط تلفن صحبت می کند، ندارند. لذا توصیه شده است که یکی از تمرینات افراد لکنتی صحبت کردن با تلفن باشد و درحین مکالمه تلفنی رفتار خود را در آئینه مشاهده نمایند.

آیا لکنت یک مشکل روان شناختی است؟

ما باید متوجه باشیم که درمان لکنت زبان بدون توجه به شرایط و تجارب عاطفی - روانی فرد چندان مقدور نخواهد بود. لکنت پدیدهای است که در مرز دانش روان شناختی مرضی و آسیب شناسی گفتار قرار دارد.

وبالآخره اساس اصلاح و درمان لکنت، کاهش اضطراب و زدودن تنشهاست.

سؤالات و پاسخها به نقل از کتاب "خوددرمانگری در لکنت زبان" تالیف جین فری زر، ترجمه نویسنده مقاله است.

آیا بهترینیست فرد لکنتی وقتی که دچار لکنت می شود بنحوی از آن اجتناب کند؟

به عبارتی لکنت چیزی است که شما سعی می کنید از آن اجتناب داشته باشید، هرچقدر تقلا کردن فرد لکنتی در جلوگیری از بروز لکنت کمتر شود لکنت او کاهش می یابد، هرچقدر طفره رفتن کم شود، ترس از صحبت کردن هم در موقعیت های مختلف کمتر شده، راحت تر صحبت می کند.

آیا بهتر نیست که فرد لکنتی به دنبال روانی و سلاست کلامی کامل باشد؟

بطور کلی افراد غیر لکنتی هم بعضاً دچار ناروانی کلامی می شوند. برخورداری از یک سلاست و بلاغت کامل کلامی یک مهارت نادر است. بیشتر ما هم در صحبت کردن دچار اشتباه می شویم، لذا برای افراد لکنتی توصیه این است که بیش از آنکه به دنبال سلاست و روانی کامل کلام باشند، بهتر است در اندیشه صحبت آسان و راحت (بدون ترس و تنش) باشند.

آیا لازم است افراد لکنتی مواظب توصیه های این و آن باشند؟

بله، لکنت یک اختلال روانی - حرکتی پیچیده است و با روشهای درمانی نامطلوب و نامناسب بدتر می شود. بسیاری از افراد بدون آگاهی کامل از ماهیت و چگونگی لکنت با توصیه ها و اندرزهای بی پایه موجب